## شعر روز

### از دست چین!

روز و شب کل خواب‌مان چینی
عکس رویا و قاب‌مان چینی
روسری، کیف و کفش یا مانتو
شال و ماسک و نقاب‌مان چینی
کاسه بشقاب‌مان که چینی بود
هر مدل از لعاب‌مان چینی
پیش بقال کوچه هم حتی
کل صورت حساب‌مان چینی
من کتابی نخوانده‌ام اما
گاه حتی کتاب‌مان چینی
شعرهامان قدیم زیبا بود
حال اشعار ناب‌مان چینی
اقتصاد از حباب لبریز است
کف و حتی حباب‌مان چینی!

**بهار نژند**

**واکسن نامه**

من عاشق چشم‌های ماهت هستم
جارو کش کوچه‌های راهت هستم
هرگز نشوم مریضِ چشمی چون من
واکسن‌زده چشم سیاهت هستم!

**منیژه رضوان**

*

ای کاش به من یک ذره خوبی بکنید
مشغول به آهنگ جنوبی بکنید
از شدت درد مُردم ای دکتر جان
یک خرده یواش مایه کوبی بکنید!

**بهار نژند**

## پیامک روز

**پرسش، پاسخ، انتقاد، پیشنهاد، تعریف، تمجید، به‌به و چه‌چه خود را با کلمه «دارکوب» بفرستید: پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ و تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶**

آق کمال روز قلم رو به جناب عالی و همکارانت که این روزها در روزنامه خراسان قلم می‌زنید تبریک میگم.
**آق کمال:** ممنون از شما، ایشالا قسمت بشه دور هم یگ آبگوشت قلم بزنم به مناسبت ای روز!

زمستون بخاری روشن کنی شرکت گاز میگه مازاد بر مصرف داری. تابستون کولر روشن کنی شرکت آب میگه مازاد بر مصرف داری. شب‌ها چراغ روشن کنی شرکت برق میگه مازاد بر مصرف داری! همه این‌ها مصرفی هستن، اگر مصرف نکنیم چه کار کنیم؟!
**دارکوب:** مصرف کنیم ولی مازاد مصرف نکنیم. البته در این که چقدرش مازاده، اختلاف نظر اساسی وجود داره!

الان فصل جابه‌جایی است. سری بزنید به بنگاه‌ها تا ببینید قیمت اجاره‌خانه نجومی رفته بالا. واقعا چه کار می‌کنید؟
**دارکوب:** ما که کاری نمی‌کنیم، گویا مسئولان هم مثل ما، کار نمی‌کنن!

کاش مسئولان یک سر به مترو می‌زدند، در ساعت‌های اوج کار، درهای واگن‌ها بسته نمی‌شود از فشار جمعیت! بعد مدام هشدار کرونا می‌دهند.
**دارکوب:** مسئول که نباید کاری بکند، همین که هشدار می‌دهد منت سرمان گذاشته!

آق کمال تو رو خدا مواظب گوشیت باش. این سومین گوشیم بود که در یک سال گذشته وسط خیابون ازم دزدیدن!
**آق کمال:** ای داد بیداد، صد بار گفتم وسط خیابون با تلفن حرف نزن، حالا چی جوری به موپیام مدی؟!

دارکوب چرا در این اوضاع خطرناک افراد بدون ماسک را به اتوبوس‌های شرکت واحد، داروخانه و... راه می‌دهند؟ با این وضع کرونا تمام نخواهد شد و فقط رنگ عوض می‌کند.
**دارکوب:** شاید یه عده دوست دارن رنگ‌های دیگه کرونا رو هم تست کنن!

# سانسور صحنه لاک‌زدن جواد عزتی برای رعنا آزادی‌ور در سریال «زخم کاری»

کار تونیست: محمد بهادری

## توئیت روز

### رابطه قطعی برق و سحرخیزی!

محافظ های برق خونه‌مون این مدت وظیفه‌شون از محافظ های شخصیت‌های سیاسی جهان سخت‌تر و حساس‌تر شده!

فکر کنم بالاشهر برق نمی‌ره، چون هیچ کدوم از بازیگرها و سلبریتی‌ها اعتراض نمی‌کنن!

الان که برق نیست، بیشتر از همیشه ناراحتم که چرا کولر گازی با گاز کار نمی‌کنه!

قبلا می‌گفتن همسایه به کسی گفته می‌شه که سایه دیوار خونه‌اش روی خونه شما میفته، الان باید بگن همسایه کسیه که اسم وای‌فای خونه‌اش روجست‌وجوی وای‌فای گوشی شما میفته!

این که آدم پولدارها همه صبح زود از خواب بیدار می‌شن ربطی به سحرخیز و کامروا و این حرف‌ها نداره. طرف بازندگیش حال می‌کنه، می‌خواد ساعات بیشتری لذت ببره، حیفش میاد بخوابه!

پسر عموم شش سالشه، اون قدر کارتون خارجی دیده که می‌تونه کاملا انگلیسی صحبت کنه، حالا من ۲۷ سالمه شبا بدون پتوی مرد عنکبوتیم خوابم نمی‌بره!

روان‌شناس اگر کار شو بلد باشه همون اول می‌فهمه مشکلاتت به راحتی با پول حل می‌شه و آخر جلسه با نوشتن یه چک سفید، درمانت می‌کنه!

من اگه سوار هواپیما هم بشم مامانم به مهمان‌دار می‌گه شما چرا زحمت می‌کشین. دخترم پاشو برو کمک‌شون کن!

بابابزرگم با حدود ۹۰ سال سن، سابقه ۷۰ سال زندگی مستقل و ۱۰ تا بچه، مادربزرگم هنوز بهش می‌گه: «تو خیابون از دست غریبه خوراکی نگیریا، بی هوشت می‌کنن، کلیه و کبدت رو درمیارن می‌فروشن»!

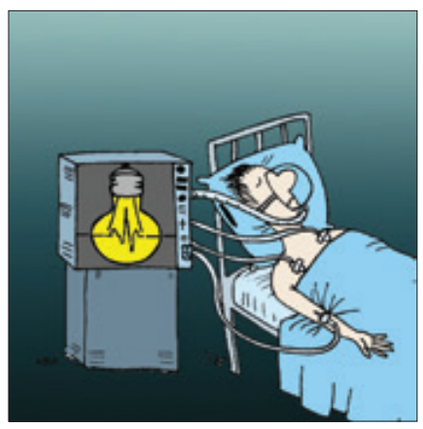

کار تونیست: هادی لگزیان

جدی یعنی هر چی وصیت کنیم بعد مرگ‌مون انجام میدن؟ من می‌خوام وصیت کنم بعد از مرگم توی مراسم ختم همه ۱۰ دقیقه روی یه پا وایسن، روحم شاد بشه از خنده!

هر بچه‌ای که تازه به دنیا میاد، بلافاصله یک زبان جدید اختراع می‌شه که فقط خودش و مامانش می‌فهمن!

تنها دلیلی که می‌تونه باعث بشه یه روزی ازدواج کنم اینه که همسرم اون جاهایی از پشتم رو که دستم نمی‌رسه برام بخارونه!

باید اعتراف کنم که در برابر پیامک‌های تبلیغاتی شکست خوردم. تقریبا هیچ راهی برای مقابله باهاشون نیست. از هر دری بیرون‌شون کنی از پنجره وارد می‌شن!

شاید باورتون نشه، ولی بعضیا وقتی می‌گن «چه خبر؟»، دارن دستاشون رو مثل مگس می‌مالن به هم که تو دوتا درد و گرفتاریت رو بگی و اینا قند آب بشه تو دل‌شون!

رونمایی از مایسا در باغ وحش ارم
مامان فیله: برو جلو نترس عزیزم، فقط حواست باشه تا کلمه «زنده گیری» رو شنیدی، با تمام سرعت فرار کن!

مستقیم نمی‌ری؟ پس دو دقیقه شیشه رو میدی پایین یه کم خنک بشم؟!

آیین همسرداری

## این قسمت: همفکری در کارها!

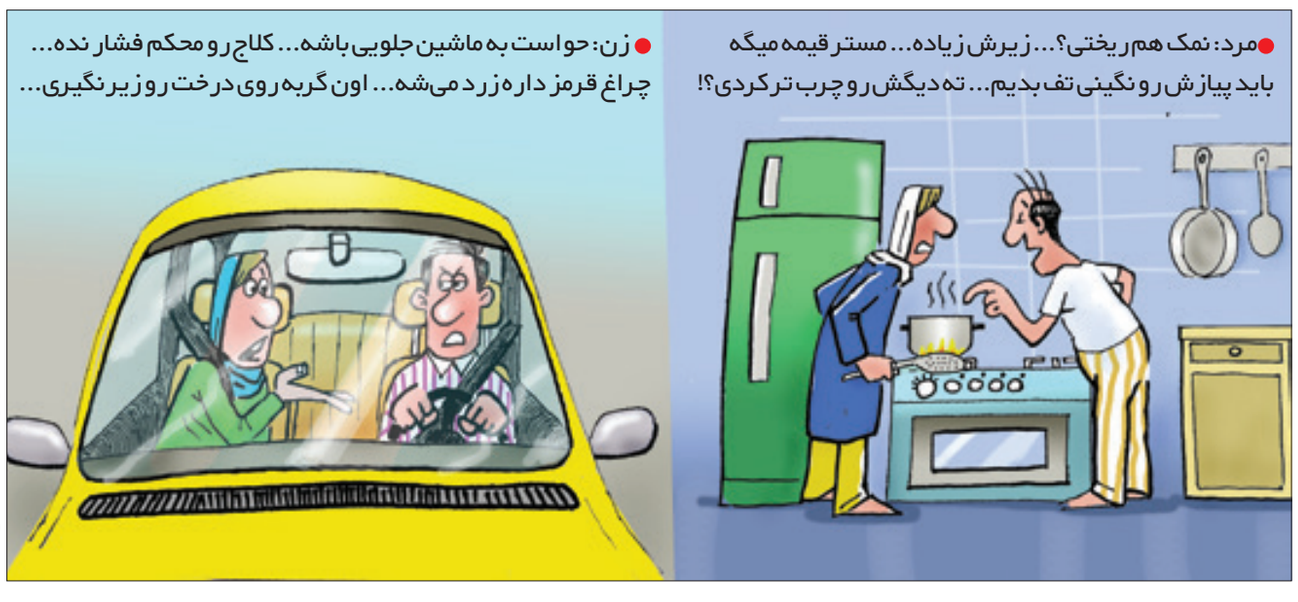


کار تونیست: حسین نقیب



## برق رفت، ما ماندیم و حتی خندیدیم

**محمدعلی محمدپور**

طنزپرداز

آخر هفته را در حالی داریم می‌پزیم که بیا بازم برق رفت. یعنی این آقای ادیسون که برق را اختراع کرد نمی‌توانست یک جور اختراعش کند که رفتن را بلد نباشد؟ اما به هر حال برق برای رفتن است. با هر رفتن برق ما زندگی در تاریکی و تنهایی را بلد می‌شویم. این ما هستیم که باید قوی باشیم، آن قدر که از این برق رفتن‌ها زندگی‌مان آسیب نبیند. البته بیشتر از خودمان باید یخچال و تلویزیون و کولرمان قوی باشند. چون هر کدام اگر بسوزند ما بیشتر از قبل به انسان‌های اولیه شبیه می‌شویم، زیرا به جایش نمی‌توانیم بخریم. اما پلیس راهور پیرو قطعی برق، از کار افتادن تابلوهای رانندگی و تاریکی خیابان‌ها گفته: «اگر بی‌برقی باعث تصادف شود، شرکت برق هم مقصر شناخته می‌شود.» با هم از نزدیک شرح یکی از این تصادف‌های رانندگی را می‌خوانیم.

قان‌قان‌قان ایییییییج بوم! دو جفت چشم در دل تاریکی شب پیاده می‌شوند. اولی: «آقا جلوتو نگاه کن» دومی جلویش را نگاه می‌کند. اولی: «نه منظورم اینه که چرا زدی به من؟» دومی: «من نزدم. شما سرت رو انداختی پایین عین...» اولی: «رعایت کن آقا این تصادف و اسه روایت تو روزنامه است» دومی: «آها صحیح می‌فرمایید. حالا تکلیف چیست؟» نفر سوم: «مقصر برقه». اولی و دومی: «چی؟» سومی: «هیچی مقصر برقه» اولی و دومی: «حالا چه کار باید کرد؟» سومی: «هیچی دیگه مقصر برقه. شماروی هم رو ببوسید برید» اولی و دومی: «پس خش‌های روی ماشین و زخم‌هامان چه؟» سومی: «از آن‌ها نور وارد می‌شود» اولی: «چی می‌گی داداش مگه این جا اینستاگرامه و شما شمس تبریزی هستی؟» این روزها زیاد از این صحبت می‌شود که اگر به خاطر قطعی برق، شما خسارت ببینید شرکت برق مقصر است اما به نظر شما واقعا جواب‌گو هستند؟ اصلا آخرین باری را که یک مسئولی جواب‌گو بود، کسی یادش هست؟ چی؟ همان موقع که آقای کلانتری آن‌طوری نشسته بود؟ در ادامه آقای اسحاق جهانگیری گفته: «اضافه شدن تولید برق تقریبا غیر ممکن است.» شما این جمله را به یک ژاپنی بگویی تمام قد می‌خندد و از خنده خودش برق تولید می‌کند، تحویل‌تان می‌دهد. این چه وضعیتی است برای ما ساخته‌اید؟ آدم از غم خنده‌اش می‌گیرد. حالا ما چهارتا شوخی می‌کنیم که راحت‌تر بگذرانیم، لطفا شما سر شوخی را باز نکنید. یعنی چی که امکانش نیست؟ همین جور به قطع بودن ادامه دهیم؟ خب عزیز من! پاشو از این آفتاب و باد استفاده کن. چهارتا نیرو گاه بادی و خورشیدی درست کن. اصلا چهارتا قوه پارس روی هم بگذار ولی نگو از این بهتر نمی‌شود.

**تصویر دیده نشده ای از پلنگ زرد که بر اثر کمبود آب، پوستش چروک خورده!**

نیاز طنزی

دوره آموزشی مهارت‌های کاربردی زندگی

نظر به شرایط حساس کنونی، موسسه آموزشی «بومباگو مبا نوآوران شرق» دوره‌های ویژه مهارت‌های شهروندی را برگزار می‌کند:

*شکار در دل طبیعت برای تامین مایحتاج روزانه
*تولید آتش با بطری آب معدنی
*استحصال آب از کاکتوس‌های بیابان برای تامین آب مورد نیاز روزانه
*تولید الکتریسیته از مالیدن جوراب پشمی به برس پلاستیکی برای تامین برق مورد نیاز گوشی
*دوره پژوهشی فرو کردن سر در گل‌های باغچه برای باخبر نشدن از کل اخبار روزانه

زندگی سلام
پنج شنبه
۱۷ تیر ۱۴۰۰
شماره ۱۹۲۴